

ریخت شناسی
داستان‌های
مینی مالیستی
محمد جواد جزینی





حقیقت ماجرا این است که چه بپذیریم چه نه، تخطی از آداب داستان کوتاه سستی، کم کم عمومیت بیش‌تری پیدا می‌کند. حالا دیگر کم‌تر مجله یا روزنامه‌ای را پیدا می‌کنیم که در حاشیه یا متن آن، به این گونه آثار نبرداخته باشند. حتا کتاب‌های منتشر شده تألیف و ترجمه هم گویای همین نکته است که اقبال از این شیوه کوتاه‌نویسی، بسیار چشمگیر است. اما این اقبال تا چه اندازه بر شناخت درست و عمیق و نیازها استوار است؟



ISBN 978-964-380-976-8



9 789643 809768

#تالک

۹۰۰۰ تومان



کتابخانه ملی ایران

ریخت‌شناسی
داستان‌های
مینی‌مالیستی

ریخت شناسی
داستان های
مینی مالیستی
محمد جواد جزینی



جزینی، محمدجواد، ۱۳۴۲ -	
ریخت‌شناسی داستان‌های مینی‌مالیستی / محمدجواد جزینی، تهران: نشر ثالث،	
۱۳۹۳.	
ص ۱۶۲	
ISBN 978-964-380-976-8	شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۰-۹۷۶-۸
کمیته گرامی (ادبیات) - تاریخ و نقد	
۸۰۸/۳	PN ۳۳۵۳ / ج ۲ ر ۹



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم / تلفن: ۸۸۳۰۲۴۳۷

فروشگاه: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸ / تلفن: ۸۸۳۲۵۳۷۶-۷

■ ریخت‌شناسی داستان‌های مینی‌مالیستی

● محمدجواد جزینی ● ناشر: نشر ثالث

● مجموعه پژوهش و نقد ادبی

● چاپ اول: ۱۳۹۴ / ۱۱۰۰ نسخه

● لیتوگرافی: ثالث ● چاپ: احمدی ● صحافی: مینو

● کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 978-964-380-976-8

● شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۰-۹۷۶-۸

● سایت اینترنتی: www.salesspub.com پست الکترونیکی: Info@salesspub.com

● قیمت: ۹۰۰۰ تومان

فهرست

۷.....	به جای مقدمه
۱۳.....	ریخت‌شناسی داستان‌های مینی‌مالیستی
۴۷.....	گونه‌های داستان کوتاه کوتاه
۶۶.....	داستان کوچک
۷۹.....	پیدایی داستان کوتاه کوتاه در ایران
۹۱.....	داستان‌های پیوست
۹۳.....	داستان‌های مینی‌مال
۱۲۷.....	داستان‌های کوتاه
۱۳۹.....	منابع

به جای مقدمه

داستان مینی مالیستی را «اتم شکافته شده» داستان کوتاه» نامیده‌اند. اصل «کم هم زیاد است» شعار اساسی آن‌هاست. مینی مالیست یک جریان انتقادی هنری بود که علیه «ماکسی مالیست‌ها» سامان گرفت. آن‌ها در فشرده‌گی و ایجاز تا آن‌جا پیش می‌روند که فقط عناصر ضروری اثر، آن هم در کم‌ترین و ساده‌ترین و کوتاه‌ترین شکل باقی بماند. به همین دلیل برهنگی واژگانی و کم‌حرفی از محرزترین ویژگی‌های این آثار به شمار می‌رود.

مترجم‌ها بارها «کمینه‌گرا» و «حداقل‌گرا» را به جای واژه مینی مالیست به کار برده‌اند. اما همچنان وقتی از مینی مالیست حرف می‌زنیم از مینی مالیست حرف می‌زنیم.

تحلیل‌گران ادبی برای شرح دلایل پیدایش جریان مینی مالیسمی به بحران‌های اقتصادی و خصوصاً «بحران انرژی» و مسئله مبارزه عمومی در مصرف انرژی (تولید ماشین‌های کم‌مصرف، ساخت خانه‌های کوچک و...)، همچنین به «زوال ملی مطالعه» در مقابل رسانه‌های جدید (سینما و تلویزیون) و نوعی سرخوردگی فلسفی اشاره کرده‌اند.

این پژوهش در نیمه نخست دهه هفتاد به پیشنهاد هوشنگ گلشیری آغاز شد.

ایده نوشتن این مقاله را در شب سرد زمستانی آن سال‌ها، در دفتر کارش مطرح کردم.

گلشیری با اشتیاق از کارهایی که در غرب در این زمینه انجام شده بود، حرف زد و از گاهنامه‌ای گفت که به زبان فارسی در اروپا منتشر می‌شود و مقاله‌ای در این زمینه در آن دیده است و قول داد اگر بین کتاب‌هایش پیدا کند، به دستم برساند.

آن گاهنامه هرگز به دستم نرسید، اما پژوهش من به اعتبار استقبال او نوشته شد که بخش‌هایی از آن بعدها در ماهنامه کارنامه که آن سال زیر نظر او گرد می‌آمد، با عنوان «ریخت‌شناسی داستان‌های مینی‌مالیستی» منتشر شد.

در این پژوهش گونه‌شناختی، کوشیده‌ام بستر فکری و فلسفی مینی‌مالیسم را معرفی کنم. شیوه «مینی‌مال» حاصل انتخاب یک روش «زیباشناختی» خاص در تولید آثار هنری و ادبی است. از این جهت می‌گویم شیوه، چرا که از به کارگیری اصطلاح «مکتب» و «جنبش ادبی» پرهیز می‌کنم.

اندک مقالاتی که در سال‌های اخیر در باره مینی‌مالیسم ترجمه و احیاناً تألیف شده‌اند موجب آشنایی و گاه سوء تفاهم‌هایی در باره مینی‌مالیسم شده است.

حقیقت ماجرا این است که چه بپذیریم چه نه، تخطی از آداب داستان کوتاه سنتی، کم‌کم عمومیت بیش‌تری پیدا می‌کند. حالا دیگر کم‌تر مجله یا روزنامه‌ای را پیدا می‌کنیم که در حاشیه یا متن آن، به این گونه آثار نپرداخته باشند. حتا کتاب‌های منتشرشده تألیف و ترجمه هم گویای همین نکته است که اقبال از این شیوه کوتاه‌نویسی، بسیار چشمگیر است. اما این اقبال تا چه اندازه بر شناخت درست و عمیق و نیازها استوار است؟

فقط ارزنده‌ترین گونه‌های ادبی می‌تواند در برابر نیازهای متغیر خواننده ادامه حیات بدهد. و این نکته به طور استثنایی در باره مینی‌مالیسم صادق است، که هدفش ارضای سلیقه زمانه خود است. به همین دلیل ممکن است این اشتیاق و اقبال عمومی به سرعت تحلیل برود.

سوابق نشان می‌دهد ما در مواجهه با پدیده‌های ادبی، همواره به دو شیوه

افراطی برخورد کرده‌ایم. یکی پذیرش آن با آغوش باز و کاملاً خوشبینانه و دیگری نكوهش گرانه و بدبینانه.

در این کتاب کوشیده‌ام، بدون برخورد تجویزی به بررسی تحلیلی پدیده مینی مالیسم پردازم و روشن کنم که این شیوه هنری چیست، از کجا آمده، چگونه شکل گرفته و در چه چیزی تحول ایجاد کرده است. همچنین تلاش می‌کنم به برخی خطاهای رایج در معرفی داستان‌های مینی مالیستی پردازم. شرح و معرفی دیگر گونه‌های داستان کوتاه «فلش فیکشن» (داستانک)، «اسکچ» (طرح‌واره)، «میکرو فیکشن» (داستان ریزه‌ها) و... در این جستار آمده است تا تفاوت آن‌ها با داستان مینی مالیستی روشن شود.

از پرسنده‌ای پرسیدند: «چرا این آوازی که
می‌خوانی و چهچه‌ای که می‌زنی، این همه کوتاه
کوتاه و بریده و بریده است؟ یعنی نفسش را
نداری؟»

پرنده گفت: «آخر من آوازهای خیلی
زیادی دارم که بخوانم و دلم می‌خواهد که همه
آنها را هم بخوانم، این است که ناچارم تکه
تکه و کوتاه کوتاه بخوانم.»

آنتوان چخوف

ریخت‌شناسی داستان‌های مینی‌مالیستی^۱

در آخرین دهه‌های قرن بیستم مقبولیت همگانی تقسیم‌بندی سه‌گانه «رمان»، «داستان کوتاه»، «داستان بلند» رفته رفته رنگ باخت. این تقسیم‌بندی آشنا در واقع برخوردی ساده با یک واقعیت پیچیده بود،

۱. اصطلاح «ریخت‌شناسی» را نخستین بار ولادیمیر پروپ در کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های پریان به کار برد. او خود این اصطلاح را از پژوهش‌های گوته در باره گیاه‌شناسی وام گرفته بود. اصطلاح ریخت‌شناسی برابر نهاده‌ای برای مورفولوژی (morphology) به کار گرفته شده است. مورفولوژی یا ریخت‌شناسی یکی از شاخه‌های بیولوژی گیاهی است که به مطالعه ساختار بیرونی و ظاهری اندام‌ها و اعضای گیاهان و نحوه نمو آن‌ها می‌پردازد. پروپ در پژوهش گونه‌شناختی خود تلاش کرد ثابت کند تمام قصه‌ها از دیدگاه ساختاری به الگوی واحد و نهایی وابسته‌اند. نخستین گروهی که به مطالعه ریخت‌شناسی داستان پرداختند، فرمالیست‌های روسی بودند. آن‌ها در پی یافتن فرمولی بودند که بتوان به وسیله آن ساختار داستان‌ها را بررسی کرد.

در بسیاری از متون فارسی اغلب واژه «هیئت» برای تلاش‌های ساختارشناسانه به کار برده شده است. ناصر خسرو در کتاب جامع‌الحکمتین در تعریف واژه هیئت می‌گوید: «هیئت آن است که اشخاص بدان از یکدیگر جداست، خاصه اندر مردم. با آن‌که به صورت همه یکی‌اند... به هیئت‌های مختلف که یافته‌اند از یکدیگر جدایند».

در این پژوهش می‌کوشم ریخت‌شناسی و ساختار مشترکی از گونه داستان مینی‌مالیستی را همراه با تشریح انگیزه‌ها و نمونه‌ها شرح دهم.

واقعیتی که گویای تحولی همه‌جانبه، دائمی و گریزناپذیر بود. دهه‌های اخیر، جهان داستان کوتاه، آبستن شکل‌های نوینی بود که عمده‌ترینش هر روز کوتاه و کوتاه‌تر شدن بوده است. این خوش‌اقبال‌ترین نوع ادبی مدرن، در طول این سال‌ها، دستخوش تغییرات مهمی بوده است. در مغرب زمین که موطن اصلی این گونه ادبی است، شکل‌های تعریف‌شده کوتاهی از آن ثبت شده است: گونه‌های داستانی «مینی‌مال»، «فلش فیکشن»، «سادن فیکشن»، «فست فیکشن»، «متا فیکشن»، «سوپر فیکشن»، «میکرو فیکشن» و...^۱ جنبش «فرمالیست» که در دهه ۱۹۲۰ شکوفا شد، به نوعی موجد اصلی پدید آمدن نظریات تئوریک در باره داستان کوتاه بود. نظریه‌پردازانی چون بوریس آخنباوم و ویکتور اشکلوفسکی و حتا روایت‌شناسانی چون تسوتان تودورف و کلود بره‌مون و... در بسط و گسترش آن تأثیر داشتند.

مینی‌مالیسم را می‌باید فرزند خلف جنبش فرمالیست‌ها به حساب آورد، گرچه در پدید آمدن آن، خیزش‌های فلسفی و سیاسی سال‌های پس از جنگ جهانی دوم بی‌تأثیر نبود.

فرمالیست، تجلی روح «صورت» در ساخت اثر هنری بود که در حوزه‌های مختلف هنر از جمله موسیقی، نقاشی، شعر، داستان و... نفوذ کرد.

مینی‌مالیسم تجلی و بروز تلاش فرمالیست‌ها در ایجاد «شکل»‌های جدید بود. تلاشی در جهت تجربه‌های نو، در پدید آوردن شیوه‌های تازه که شعار اصلی فرمالیست‌ها بود.

۱. محمدجواد جزینی، «چرا داستان‌های کوتاه هر روز کوتاه‌تر می‌شوند»، گاهنامه میرزا (ویژه جشنواره داستان‌های ام. ام. اس).

در فرهنگ بریتانیکا ذیل واژه مینی‌مالیسم آمده است: «جنبشی که در اواخر دهه ۱۹۶۰ در عرصه هنرها، به ویژه نقاشی و موسیقی در آمریکا پا گرفت و بارزترین مشخصه آن تأکید بر سادگی بیش از حد 'صورت' و توجه به نگاه عینی و خشک بود. آثار این هنرمندان گاهی کاملاً از روی تصادف پدید می‌آمد و گاه زاده شکل‌های هندسی ساده و مکرر بود.»

در دانشنامه ویکی‌پدیا در تعریف این واژه آمده است: «مینی‌مالیسم یا کمینه‌گرایی، مکتب هنری است که اساس آثار و بیان خود را بر پایه سادگی بیان و روش‌های ساده و خالی از پیچیدگی معمول فلسفی یا شبه‌فلسفی بنیان گذاشته است.»^۱

برخی منتقدان پدید آمدن جریان مینی‌مالیسم را نوعی تلاش برای ارائه قرائت جدید هنری تعریف می‌کنند که مستقیماً به جریان‌های اجتماعی عصر خود مربوط بوده است، جریانی سرخورده از مباحث سیاسی، اجتماعی و حتا فلسفی.

سلان در تحلیل تاریخ هنر بی‌پیرایه اشاره می‌کند که ظهور جنبش مینی‌مالیست‌ها با موج انتقادات علیه پیچیدگی‌های هنر رسمی، همراه بوده است.^۲

ادوارد لوسی اسمیت در کتاب مفاهیم و رویدادهای آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم در باره جنبش مینی‌مالیسم می‌گوید: «بخش عمده‌ای از جریان‌های هنری دهه شصت، جنبشی مینی‌مالیست بوده

۱. ویکی‌پدیا، «مینی‌مالیسم»، ویکی‌پدیای انگلیسی، دانشنامه آزاد. (بازیابی در ۱۰ نوامبر ۲۰۰۷).

۲. ادوارد لوسی اسمیت، آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم، علی‌رضا سمیع‌آذر، نشر نظر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.

است که هدف اصلی آن‌ها رهایی از موضوع و خلاصی جستن از پیچیدگی‌های شکلی بوده است.^۱

همچنین او تأکید می‌کند، این تلاش مینی‌مالیست‌ها به مسلخ بردن فرم و محتوا بود که آن‌ها به طور طبیعی نسبت به هر دوی آن به یک اندازه بی‌اعتنا بودند.

اسمیت یادآور می‌شود که نباید تصور کرد مینی‌مالیست‌ها در سمت‌گیری هنری خود یکسر آزاد و بی‌قید بودند، بلکه چهارچوب و دغدغه‌های خاص خودشان را داشتند. او اساس کار مینی‌مالیست‌ها را تشریح این مفهوم می‌داند که هنر فقط به خودش معتقد است که البته خود بخود می‌تواند یک دغدغه جدید در مبنای هنری قلمداد شود. از این رو انعکاس موضوعات اجتماعی و مسائل سیاسی در این گونه آثار به فراموشی سپرده می‌شود.

اسمیت در کتابی که برای معرفی آخرین رویدادهای جنبش‌های هنری قرن بیستم نوشته است، در تعریف این جنبش می‌گوید: «مینی‌مالیسم در ادبیات سبک یا اصلی ادبی است که بر پایه فشردگی افراطی و ایجاز بیش از حد محتوای اثر بنا شده است. آن‌ها در فشردگی و ایجاز تا آن‌جا پیش می‌روند که فقط عناصر ضروری اثر، آن هم در کم‌ترین و کوتاه‌ترین شکل باقی بماند. به همین دلیل فرهنگی واژگانی و کم‌حرفی از محرزترین ویژگی‌های این آثار به شمار می‌رود.»^۲

برخی پژوهشگران برای شرح دلایل پیدایش جریان هنری مینی‌مالیسم به چند دلیل دیگر هم اشاره کرده‌اند. از آن جمله بحران‌های

۱. همان.

۲. همان.

اقتصادی و خصوصاً «بحران انرژی» و مسئله مبارزه عمومی در مصرف انرژی (تولید ماشین‌های کم‌مصرف، ساخت خانه‌های کوچک و...)، همچنین «زوال ملی خواندن» در مقابل رسانه‌های جدید (سینما و تلویزیون) و حتی مسئله جنگ ویتنام را نام برده‌اند.

نخستین جستار تنوریک در باره داستان کوتاه که به قلم ادگار آلن پو نوشته شده، مبنای مهمی در تکوین ساختار داستان‌های مینی‌مالیسمی به حساب می‌آید. او در مقدمه کوتاه خود بر مجموعه داستان قصه‌های بازگفته نوشته ناتانیل هاتورن اصول سه‌گانه خود را در تبیین ساختار داستان کوتاه تشریح کرد. آلن پو بحث وحدت تأثیر را در ساختار داستان کوتاه پیش می‌کشد و راه رسیدن به وحدت را تنها در سایه «ایجاز مناسب» میسر می‌داند. همچنین او محدودیت «مکان» را نیز شرط ایجاز می‌شمارد و تأکید می‌کند تمام جزئیات روایت باید دقیقاً تابع کل داستان باشد.^۱

گروهی از منتقدان ادبیات داستانی این مقاله ادگار آلن پو را نخستین «بیانیه غیررسمی مینی‌مالیست‌ها» به شمار آورده‌اند، بی‌آن‌که تأثیر آثار کسانی چون روبرت والزر، فرانتس کافکا، برتولت برشت و ساموئل بکت و... در پدید آمدن این جریان نادیده گرفته شود.^۲ در تکوین ساختار داستان‌های مینی‌مالیسمی آثار دو نویسنده دیگر شاید بیش‌ترین تأثیر را داشته است. آنتوان چخوف با ابداع صورتی از داستان کوتاه که در آن برشی کوتاه از زندگی روایت می‌شد و ارنست همینگوی با داستان‌های کوتاه‌اش (به خصوص داستان‌هایی که در دو دهه بیست و سی نوشت) که در حداقل توصیف و گفتگو سامان پذیرفته بود و

۱. راجر اسلینو، *ادگار آلن پو*، خشیار دیهیمی، کهکشان، تهران، ۱۳۷۳.

۲. محمدجواد جزینی، «ریخت‌شناسی داستان‌های مینی‌مالیسمی»، *کارنامه*، تهران، دوره اول، س ششم، تیر و مرداد ۱۳۷۸.

انتخاب ساده‌ترین زبان برای بیان طرحی بدون پیچیدگی را سبک خود کرده بود. سبکی که بعدها در آثار نویسندگانی چون فردریک بارتلمی، دونالد بارتلمی، آن بیتی، جان چیور، ریموند کارور، بابی آن میسون، تویاس وولف، ماکس فریش، توماس برنهارد، پتر بیکسل و پتر هانتکه و... دیده شد. آثار این نویسندگان با وجود تفاوت‌های عمده، وجوه اشتراکی داشتند که اغلب از آن‌ها به عنوان ویژگی‌های داستان‌های مینی‌مالیسمی نام برده می‌شود.

این گونه هنری، در بدو تکوین اقبال چشمگیری پیدا کرد و دامنه نفوذ آن در شعر، نقاشی، معماری، موسیقی و فیلم هم کشیده شد. با وجود این بارها منتقدان هنری و ادبی این نوع گرایش‌ها را به باد انتقاد گرفتند و در نقد آثار پیروان مینی‌مالیسم، از آن‌ها با القابی چون «نوهمینگویسم بدوی»، «رنالیسم کثیف»، «مینی‌مالیست پیسی‌کولایی»، «ادبیات سوپرمارکتی» و... یاد کردند.^۱

در بین پژوهشگران ادبی، در باره شکل‌گیری جریان مینی‌مالیسم ظاهراً وحدت دیدگاهی وجود ندارد. در برخی منابع اشاره شده است که مینی‌مالیسم ابتدا در هنرهای تجسمی پدید آمده است. گفته‌اند بنیانگذار این جریان هنری در هنرهای تجسمی رونالد جاد بوده است.

«در نیمه دوم دهه شصت هنرمندانی با الهام از نقاشی‌های هندسی آستره و آثار کسانی چون وازارلی و موندریان شکل و حجم را در نهایت سادگی به کار گرفتند و با استفاده از ساختار صنعتی، تلاش کردند تا با کوچک‌ترین تغییرات در فرم بیش‌ترین تأثیر را بر مخاطب آثار خود بگذارند.»

۱. اسدالله امرایی، «مینی‌مالیست رنالیسم پنهان»، شایب، ش ۲۸ و ۲۸.